در نامه سرگشاده بذرپاش به روحانی درباره شرایط بحرانی اقتصاد کشور مطرح شد

آمار برای فهم حقایق است نه رنگ آمیزی وقایع

هوالشاهد

ببینید عزیزان من! این ملت ثروت‌های فراوانی دارد؛ ثروت مادی دارد، ثروت زیرزمینی دارد، ثروت انسانی دارد که از همه اینها بالاتر است. ما ده‌ها میلیون جوان داریم که این یک ثروت بسیار عظیم است؛ ما استعدادهای برجسته داریم. آن مجموعه‌ای که بتواند از این استعدادها استفاده کند و آنها را در راه مصالح ملی به کار بیندازد، بزرگ‌ترین خدمت را به این کشور کرده است (مقام معظم رهبری).

جناب آقای حسن روحانی!

رئیس جمهور محترم!

سلام‌علیکم

احتراما، همانطور که استحضار دارید و گزارش‌های رسمی نهادهای دولتی و نیز شواهد میدانی نشان می‌دهد، وضعیت اقتصادی کشور در بخش‌های مختلف در شرایط اورژانسی قرار گرفته است. مناظرات انتخاباتی و سخنرانی‌های اخیر جنابعالی و معاون اول دولت در دفاع از عملکرد جاری و پافشاری غیرمنطقی بر استمرار رویه‌های کنونی، این نگرانی را ایجاد کرده است که مسؤولان دولت یازدهم، حتی در این روزهای کوتاه باقیمانده نیز واقف به وخامت اوضاع اقتصادی کشور و فشاری که بویژه بر قشر محروم جامعه وارد می‌شود نیستند. بر این اساس لازم دانستم تصویر روشنی را از وضعیت جاری کشور و نقش تصمیمات و سیاست‌های نادرست تیم اقتصادی دولت یازدهم در شکل‌گیری وضع موجود، خدمت شما و ملت شریف ایران ارائه دهم.

۱- کنترل نقدینگی و شدت افزایش نقدینگی

آقای روحانی شما در سال ۹۲ با انتقاد شدید از دولت دهم به علت افزودن بر میزان نقدینگی بر سر کار آمدید. فریاد کشیدید که چرا نقدینگی در دولت آنها ۲ برابر شده. خیلی هم خوب! پس چرا خودتان آن را ۳ برابر کردید؟ وقتی می‌گویم ۳ برابر یعنی نرخ رشد نقدینگی از ۲۰۰ درصد شده است ۳۰۰ درصد. یعنی اگر آن دولت ۲۰۰ هزار میلیارد تومان را به ۴۶۰ هزار میلیارد تومان رساند و شما منتقد آن بودید، شما ۴۶۰ هزار میلیارد را به ۱۳۰۰ هزار میلیارد تومان رساندید. اگر بد بود، پس چرا دولت شما وخامت آن را تشدید کرد؟ اشتباه فاحش شما در این دولت آن بود که برای دور زدن مجلس بابت استقراض از بانک مرکزی و عبور از موانع قانونی، بانک‌های تجاری را انتخاب کردید و ترجیح دادید از محل بانک‌های تجاری هزینه‌های جاری دولت را تأمین کنید. نتیجه چه شده است؟ دولت دوازدهم کار خود را با نزدیک به ۱۷۰ هزار میلیارد تومان بدهی به بانک‌ها آغاز خواهد کرد. به تعبیر دیگر، شما تقریبا به اندازه بودجه جاری یک سال کشور بدهی به بانک‌ها دارید.

۲- سیاست‌گذاری کنترل تورم و سطح قیمت‌ها

جناب آقای روحانی! شما احتمالا بهتر از هر کسی می‌دانید به‌رغم ادعا و افتخاری که بر کنترل نقدینگی در دولت یازدهم دارید، این انتقاد جدی به دولت شما وارد است؛ اینکه تیم اقتصادی شما، رشد تورم را با بالا نگه داشتن سود بانکی به تعویق انداخته است و خوب می‌دانید تورم بسیار بی‌سابقه‌ای با ادامه شیوه جاری سیاست‌گذاری شما، در انتظار اقتصاد ایران است. اقتصادی که در آن ۱۳۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی باشد و کالا و خدمتی برای این میزان نقدینگی نباشد و بانک‌ها با بالا نگه داشتن سود سپرده اجازه ندهند پول‌ها به جریان بیفتد، تورم پایین قابل اعتمادی نخواهد داشت. برخی از نشانه‌های این انفجار تورمی در اقلام مصرفی مردم نظیر حبوبات، میوه، برنج و... در حال ظاهر شدن است. به عنوان مثال، فقط در یک سال اخیر، طبق آخرین گزارش بانک مرکزی، حبوبات ۲۴ درصد، میوه‌های تازه ۳۶ درصد، برنج ۲۷ درصد، سبزی‌های تازه ۵۴ درصد، سیب ۷۰ درصد، گوجه‌فرنگی ۱۲۷ درصد و قند ۲۵ درصد افزایش قیمت داشته است. نکته جالب توجه دیگر جناب آقای روحانی! تمرکزگرایی بیش از اندازه شما در سیاست‌گذاری اقتصادی است. کمااینکه وقتی به تورم استان‌ها نگاه می‌کنیم مشاهده می‌کنیم نرخ تورم در سایر استان‌ها بسیار بیشتر از تهران افزایش یافته و این بدترین رفتار دولت در راستای حمایت از مناطق کم برخوردار است؛ این یعنی تمرکزگرایی. دولتی که از تهران بیرون نمی‌رود دل به تورم ۱/۷ درصدی تهران مثلا در اسفند ۹۵ خوش می‌کند، غافل از اینکه در همین مقطع، چهارمحال‌وبختیاری در یک ماه ۳ درصد و خوزستان ۲/۶ درصد نسبت به ماه قبل تورم داشته است. دیگر استان‌ها هم حال چندان بهتری ندارند. حالا اگر شما تورم را در ۱۲ ماه ضرب کنید، تورم خوزستان ۳۶ درصد در سال می‌شود در حالی که تهران تورم ۲۰ درصدی داشته است. این ناشی از همان رویکردی است که شما و مشاوران اقتصادی شما در این دوره از اتاق‌های‌تان در تهران خارج نشدید تا وضعیت زندگی در شهرهای دیگر را از نزدیک درک کنید. دیدارهای استانی را تبدیل به جلسات ویدئوکنفرانسی کردید. سفره مردم متاسفانه در دولت شما به‌رغم آن‌همه وعده‌های خوش آب و رنگ کوچک و کوچک‌تر شد. چه معنا دارد مردم تورم ۳۰ درصدی حس کنند و شما در سخنرانی‌ها و آمارسازی‌ها بفرمایید ۱۰ درصد! جناب آقای روحانی! ای کاش دولت تدبیر و امید این موضوع را باور می‌کرد که راه کنترل تورم فقط و فقط افزایش تولید داخلی و بهره‌وری است و عوارض داروهای انقباضی تیم اقتصادی شما برای جسم بیمار اقتصاد کشور در بخش‌های مختلف اقتصادی در حال متورم شدن است. به عنوان نمونه عرض می‌کنم؛ همین اوراق بدهی تعهدزایی را که دولت با هدف جبران کسری بودجه و کنترل تورم منتشر کرده ببینید چه اثری بر بازار سرمایه گذاشته است؟ با ایجاد کمبود نقدینگی در بورس، بازار سرمایه را که می‌توانست یک بازوی توانمند در تأمین مالی کشور و رونق کسب و کارها باشد دچار رکود کرده است. ضمن آنکه زیاده‌روی شما در استفاده از اوراق بدهی تعهدزا کشور را در آستانه یک بحران بزرگ بدهی قرار می‌دهد، در حالی که طبق برنامه ششم توسعه نسبت بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی نباید بیشتر از ۴۰ درصد شود. با این رویکرد اقتصادی شما، دولت تا سال ۱۴۰۰ معادل بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی بدهی خواهد داشت.

۳- رشد اقتصادی نفتی و وابستگی بودجه به نفت

جناب آقای روحانی! اگرچه شاید در تبلیغات انتخاباتی مانور متفاوتی داشته باشید اما هم شما و هم تیم همکاران‌تان در دولت خوب می‌دانید رشد اقتصادی فعلی کشور که این روزها ادعا می‌شود، حاصل فروش نفت و میعانات گازی است و خام‌فروشی نه برای اقتصاد کشور ما، بلکه در هیچ اقتصادی در دنیا پسندیده نیست. در دوره فعلی حتی یک بشکه به ظرفیت پالایشی کشور اضافه نشده است. اگر عدد اعلامی رشد اقتصادی را فارغ از رشد فروش نفت ببینیم، بسیار کم خواهد شد. میزان رشد اقتصادی در سال ۹۴، منفی ۳/۱ درصد و در بهار ۹۵، منفی ۱/۵ درصد است. مگر می‌شود در ۱۱ ماهه ۹۵ به رشد ۱۱/۶ درصدی برسید؟ آمار برای فهم حقایق است نه رنگ‌آمیزی وقایع. آمده‌اید سال پایه را از ۸۳ به ۹۰ تغییر داده‌اید تا عدد بزرگ‌تر شود. این رویکرد شاید قابل استفاده در تبلیغات انتخاباتی باشد اما نمی‌توانید کارشناسان اقتصادی را هم با همین آمارسازی‌های انتخاباتی برای رشد پایدار کشور قانع کنید، چرا که نیک می‌دانید با توجه به اینکه ما از حداکثر ظرفیت نفت و گاز استفاده می‌کنیم، نمی‌توان انتظار رشد بیشتر در بخش نفت را داشت. جناب آقای روحانی! رشد اقتصادی باید در صنعت، کشاورزی و خدمات دیده شود. نفت عملا از جنس سرمایه‌گذاری خارجی است و نه رشد اقتصادی. در بودجه کشور نیز اگرچه درصد نفت کاهش پیدا کرد اما میزان کل آن افزایش یافت و کارشناسان اقتصادی می‌دانند دولت در حال حاضر بشدت به نفت وابسته است و با توجه به اینکه در حال حاضر به حداکثر ظرفیت برداشت رسیده‌ایم این موضوع در سال آینده به چالش دولت، در صورت استمرار رویه فعلی تبدیل خواهد شد.

۴- مدیریت صادرات و واردات در کشور

جناب آقای روحانی! برای کشوری که عزم اقتصاد مقاومتی دارد و مورد طمع کشورهای استعمارگر قرار دارد، این طرز تفکر غلطی است که فکر کنیم چون در تجارت بین‌المللی می‌گویند «در هر کالایی که مزیت داری تولید کن و در کالایی که مزیت نداری تولید نکن» ما هم باید به این سمت برویم. کی می‌خواهیم بفهمیم کالاهای اساسی را در شرایط بحران به ما نخواهند داد؟ مگر در زمان جنگ ما دچار بحران گندم نبودیم؟ این آقایانی که می‌گویند خودکفایی در برخی کالاها به صرفه نیست، پاسخ آن روز را بدهند، نه امروزی که کشاورز بدون حمایت شما خودش به سمت محصول منتخب خود می‌رود. آقایان می‌گویند معدن اورانیوم ساغند را تعطیل کنیم، سنگ معدن استخراج نکنیم، چون هر کیلوگرم کیک زرد در دنیا ۸۰ دلار قیمت دارد و ما اینجا برای‌مان گران‌تر از ۸۰ دلار در می‌آید. من از آقای روحانی می‌خواهم برای مجتمع شهید رضایی‌نژاد اردکان به کیلویی ۸۰ دلار کیک زرد بخرد. ببینم به ایشان می‌فروشند؟ من حتی یک پله فراتر می‌پرسم. واردات کالاهای اساسی به قیمت سرکوب تولیدات داخلی معنا دارد؟ در ۲ سال گذشته آقایان از بندر انزلی نزدیک به ۳۰ هزار تن برنج وارد کرده‌اند. بندری که خودش باید صادرکننده برنج باشد، شالی‌کارش از محل واردات بی‌در و پیکر ورشکست شده است. کدام اصل تجارت بین‌الملل این رفتار شما را تایید می‌کند؟

۵- بیمه همگانی و تأمین اجتماعی

جناب آقای روحانی! مستحضرید که از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که در بحث تأمین اجتماعی وجود دارد، بحث صندوق‌های بازنشستگی است. صندوق‌های بازنشستگی از ۲ جهت اهمیت دارند: اول از حیث نقشی که در زندگی و معاش مردم در دوران بازنشستگی دارند و دوم نقش عمده‌ای که این صندوق‌ها به عنوان یک نهاد و واسطه مالی در بازارهای مالی بر عهده دارند. بعد از بحران مالی ۲۰۰۸ نقش نهادهای مالی غیربانکی مانند صندوق‌های بازنشستگی در بازار سرمایه رو به افزایش بوده است به‌طوری که دارایی صندوق‌های بازنشستگی در سال ۲۰۱۶ بیش از ۳۶ هزار میلیارد دلار، معادل تقریبا ۶۲ درصد از کل GDP دنیا بوده است اما در کشور ما به‌رغم هشدارهایی که بانک جهانی در سال ۲۰۰۳ داده است، نظام تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی ما هنوز اصلاح نشده است و کمتر از ۱۰ سال برای اصلاح ساختار نظام بازنشستگی کشور وقت داریم. آقای روحانی! در حال حاضر دولت بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان به تأمین اجتماعی بدهی دارد! هر سال حدود ۱۵ درصد به بدهی دولت به صندوق‌ها افزوده می‌شود و اگر با همین روال پیش برود تا ۱۰ سال آینده تقریبا کل بودجه کشور باید صرف کسری صندوق‌های بازنشستگی شود! این درحالی است که هم‌اکنون شکاف درآمدی قابل توجهی بین مستمری بازنشستگان و حقوق شاغلان هم وجود دارد. یعنی از یک طرف صندوق‌های بازنشستگی با کسری مواجه هستند و از طرف دیگر قدرت خرید بازنشستگان ما به دلیل عدم رشد مستمری متناسب با نرخ تورم، در حالی به پایین‌ترین میزان خود رسیده که باید هزینه‌های ازدواج و زندگی فرزندان تحصیلکرده بیکار خود را هم پوشش دهند. علاوه بر این در برخی بخش‌های نظام بازنشستگی با تورم مقررات مواجه هستیم و در برخی بخش‌ها با خلأ راهکار و مقررات. اینها همه به دلیل بی‌انضباطی و بی‌برنامگی در نظام بازنشستگی است. اختلاف دریافتی بازنشستگان و شاغلان تا پایان برنامه ششم باید به ۱۰ درصد برسد و با آشفتگی کنونی این سیستم، این هدف حاصل نخواهد شد. شرایط کشور و مرور تجربیات جهانی نشان می‌دهد ساختار مقررات‌گذاری و نظارت بر این صندوق‌ها توسط یک نهاد مستقل باید اصلاح شود. جناب آقای روحانی! با این روش مدیریت در صندوق‌های بازنشستگی و کسری منابع این صندوق‌ها سامان دادن به نظام بازنشستگی ممکن نخواهد بود. لذا مدیریت صندوق‌های بازنشستگی باید اصلاح شود. استفاده از ابزارهای مالی و فرآیند اوراق بهادارسازی امروز در دنیا برای کاهش ریسک صندوق‌های بازنشستگی و بیمه در حال استفاده است. این تکنیک در کنار توسعه صندوق‌های بازنشستگی اختیاری می‌تواند هم کمک بسیار موثری به بحران صندوق‌های بازنشستگی کند که به نظر بنده در کنار بحران‌هایی مانند بحران خشکسالی، از بحران‌های اصلی کشور به حساب می‌آید و هم به توسعه بازار سرمایه یاری رساند. اقدامی که متأسفانه در دولت یازدهم به‌رغم وعده‌های داده شده صورت نگرفت و سفره بازنشستگی کشور با وجود افزایش کسری صندوق‌ها کوچک‌تر از قبل شد.

۶- رشد بودجه جاری کشور در مقایسه با بودجه عمرانی

جناب آقای روحانی! بودجه جاری کشور در این دولت ۲/۵ برابر شده است اما آیا دستمزدها هم ۲/۵ برابر شده است؟ هزینه خود نهاد ریاست‌جمهوری از سال ۹۴ تا الان به ۱۲۶۰ میلیارد تومان رسیده است (سال ۹۴، ۳۰۰ میلیارد تومان؛ سال ۹۵، ۴۱۱ میلیارد تومان؛ سال ۹۶، ۵۵۳ میلیارد تومان). مگر شما چطور ساختمان ریاست‌جمهوری را اداره می‌کنید که پرخرج‌ترین نهاد ریاست‌جمهوری بعد از انقلاب شده است؟ هزینه‌های جاری دولت یازدهم نسبت به دولت قبل، ۹۰ درصد افزایش پیدا کرده است. این دولت در طول دولت یازدهم بیش از ۵۷۵ هزار میلیارد تومان هزینه جاری داشته، در حالی که این رقم در دولت قبل، ۳۰۲ هزار میلیارد تومان بوده است. شما ماهیت بودجه و بدهی دولت را تغییر داده‌اید و تبدیل کرده‌اید به اوراق تعهدزا و عملا کسری بودجه را از محل ایجاد بدهی‌های جدید تامین می‌کنید. جریمه‌های راهنمایی و رانندگی را به عنوان یک منبع درآمد دولت در بودجه به میزان بیش از ۴۰۰۰میلیارد تومان رسانده‌اید! یعنی اگر مردم جریمه نشوند دولت یک بخشی از درآمد خودش را از دست می‌دهد. این نگاه اصلا نگاه صحیحی نیست. دولت به عنوان یک بدهکار بدحساب به پیمانکاران بخش خصوصی، از کسبه و مشاغل انتظار دارد خوش‌حساب باشند. همه اینها مردم را تحت فشار قرار داده است و آن وقت هزینه ساختمان ریاست‌جمهوری را به این میزان افزایش داده‌اید؟ در کشوری که باید اقتصاد مقاومتی اجرایی شود، دولت نباید خودش لوکس کار کند. هزینه این لوکس‌نشینی شما در ساختمان ریاست جمهوری را مردم می‌دهند. آقای روحانی! شرکت‌ها با توجه به رکود بازار مجبورند فروش مدت‌دار و نسیه‌ای داشته باشند، دولت بدحساب شما نیز با تأخیر زیاد، بدهی خود را به پیمانکاران پرداخت می‌کند، اقدام موثری هم که برای جلوگیری از فرارهای مالیاتی بزرگ و بدهکاران مالیات صورت نداده‌اید، پس چطور انتظار دارید کسب‌وکارهای بازار فشار مالیاتی تحمیلی از سوی دولت را تحمل کنند و بازار بیش از پیش با این عملکرد شما در رکود فرو نرود؟

۷- بحران بیکاری

جناب آقای روحانی! این را خوب می‌دانید که در حال حاضر نه راهبرد مشخصی در دولت شما برای اشتغال وجود دارد و نه دستگاهی وظیفه مستقیم این کار را بر عهده گرفته است. ترکیب بودجه و اعتبارات اشتغالزایی این موضوع را نشان می‌دهد که در بودجه ۹۶، از کل اعتبارات هزینه‌ای کمتر از نیم درصد به امر اشتغال اختصاص دارد. در سال ۹۴ این عدد ۰/۲ درصد و در سال ۹۵، ۰/۳ درصد بوده است. یعنی در کل دوره دولت یازدهم، کمتر از یک درصد از کل اعتبارات در ۳ سال به اشتغالزایی اختصاص پیدا کرده است. به عبارت دیگر، جناب آقای روحانی! با رویه کنونی شما، اشتغال جایگاهی در برنامه و بودجه کشور ندارد و هیچ سیستمی برای فرماندهی و پاسخگویی در امر اشتغال در دولت نیست. ۶۰ درصد از جمعیت در سن کار امیدی برای پیدا کردن شغل ندارند، چون بستری آماده نشده است و تبدیل به جمعیت غیرفعال شده‌اند. جناب آقای روحانی! با نگاه خام‌فروشی، طبیعی است که ایجاد سالی یک میلیون شغل امری عجیب به نظر می‌رسد و جوان تحصیلکرده ما حتی از یافتن شغل هم ناامید می‌شود. نگاه خام‌فروشی نمی‌تواند اشتغال ایجاد کند. وقتی کارگر معدن ما سختی کوه کندن یا کار در دل زمین را تحمل می‌کند و در دل معدن جان می‌دهد ولی ثروت سهم سایر کشورها می‌شود، طبیعی است که نمی‌توان شغل میلیونی ایجاد کرد. وقتی ما داریم مثل خام‌فروشی در نفت، در بخش معدن، بخش کشاورزی و حتی بخش تحقیقاتی خود خام‌فروشی می‌کنیم، مشخص است که باید ایجاد اشتغال طبق برنامه ششم را غیرممکن بدانید! ما داریم الان هزار تن هزار تن کوه‌ها و منابع خود را به فروش می‌رسانیم و گرم گرم با قیمت بالا خریداری می‌کنیم. گیاه دارویی را فله‌ای صادر می‌کنیم و از طرف دیگر دارو را به قیمت گزاف باید خریداری کنیم و نگاه‌مان به دستان سایر کشورها برای واردات دارو باشد. حتی در بخش تحقیقات هم ما ایده‌های خود را خام در اختیار سایر کشورها قرار می‌دهیم. دانشجوی تحصیلات تکمیلی ما، نخبه ما، استاد دانشگاه خود ما، باید ایده‌ها و تجربیات علمی و تحقیقاتی خود را به صورت خام در نشریات بین‌المللی منتشر کند و حتی گاه هزینه بدهد و آنها آن را تجاری و تبدیل به محصول کنند و خودمان بخریم! با این نگاه آمارساز، اشتغال ایجاد نمی‌شود آقای روحانی! ما باید زنجیره تولید و زنجیره ارزش خود را کامل کنیم. اگر می‌خواهیم صادرکننده باشیم، صادرکننده محصول نهایی باشیم؛ نه اینکه زعفران ایرانی را فله‌ای صادر کنیم تا در اسپانیا بسته‌بندی و فرآوری کنند و به فروش برسانند. رنج کشاورزی و معدنکاری را مردم باید تحمل کنند و ثروتش عایدی سایر کشورها شود. اینطور شغل ایجاد نمی‌شود. نگاه خام‌فروشی را باید کنار گذاشت. شما باید یک فرمانده پاسخگو برای اشتغالزایی در دولت قرار می‌دادید. آقای روحانی! امسال سال «اقتصاد مقاومتی: تولید- اشتغال» است. اکنون ۲ ماه از سال ۹۶ سپری شده است، شما باید حداقل ۱۶ درصد از برنامه اشتغالزایی در سال جاری را پیش می‌بردید اما کارنامه دولت متأسفانه در این ۲ ماه نیز مثبت دیده نمی‌شود. ظاهرا دولت یازدهم خسته‌تر از آن است که عزمی جدی برای مبارزه با بیکاری در سال تولید و اشتغال از خود نشان دهد.

۸- چالش‌های بازار سرمایه

آقای روحانی! وزیر اقتصاد دولت شما به مردم قول داد از بازار سرمایه حمایت کند. می‌دانید چقدر بازار سرمایه می‌توانست در این دوران به خروج اقتصاد کشور از رکود و تأمین منابع مالی کسب‌وکارها کمک کند؟ چه فشاری را می‌توانست از دوش بانک‌ها بردارد؟ شما چه حمایتی از این بازار کردید؟ اوراق خزانه یک‌ساله‌ای که شما منتشر کردید تا تورم را کاهش دهید، باعث شد نقدینگی از بورس خارج شود و عملاً بازار سرمایه که می‌توانست یک بازوی توانمند برای تأمین مالی و خروج از رکود باشد، خودش گرفتار رکود شد. بازار سرمایه اکنون کمتر از ۲۵ درصد در تامین مالی کشور نقش دارد. یعنی تقریبا همه فشار تأمین منابع کسب‌وکارها روی دوش سیستم بانکی‌ای قرار گرفته که وضعیت خودش اورژانسی است. از طرف دیگر به طور دستوری ناگهان معاملات سهام برخی از شرکت‌ها را ماه‌هاست متوقف کردید و این اعتماد سهامداران را به طور کلی از بین برده است. چرا معاملات سهام بانک‌ها نزدیک به یک‌سال است متوقف شده؟ سهامدارانی که سهم این بانک‌ها را با وعده‌های دولت شما خریداری کرده‌اند چه گناهی دارند که نمی‌توانند به پول خودشان دسترسی داشته باشند؟ بانک صادرات چرا معاملات سهامش متوقف شده است؟ بانک گردشگری چرا از مرداد ۹۵ معاملات سهامش متوقف شده است؟ چرا با اعتماد مردم به بازار سرمایه بازی می‌کنید؟ چرا اجازه نمی‌دهید این بازار برای حل مشکلات تامین مالی کشور و رونق کسب‌وکارها تقویت شود؟ جناب آقای روحانی! از آنجا که تیم اقتصادی شما نگاه جامعی به همه بخش‌های اقتصادی نداشته و جزیره‌ای به اقتصاد می‌نگرد، وقتی می‌خواهید یک بخش را اصلاح کنید بخش‌های دیگری را ضعیف می‌کنید. مثل یک انسانی که به جای اصلاح سبک زندگی و ورزش و... برای سلامتی‌اش برود دنبال داروهای شیمیایی. به‌طور موقت ممکن است مفید به نظر برسد ولی عوارض این داروهای شیمیایی به اعضای دیگری از بدن او آسیب می‌زند. اقتصاد را باید به صورت جامع دید آقای روحانی، مثل بدن یک انسان؛ آن هم هر انسانی بر اساس شرایط خودش، روش زندگی‌اش را انتخاب می‌کند. یک نفری که در استوا زندگی می‌کند نمی‌تواند روش زندگی‌اش را از قطب شمال تقلید کند. شما هم باید اقتصاد را بر اساس شرایط کشور و بر اساس باور به ظرفیت‌های داخلی اداره می‌کردید نه براساس تقلید از سایر کشورها. البته ما بهره‌گیری از تجربه‌ها را نفی نمی‌کنیم ولی تجربه‌ها را باید با توجه به شرایط داخلی اقتصاد استفاده کرد. اقتصاد مقاومتی هم همین را می‌گوید. آقای روحانی! بازار سرمایه باید رونق پیدا کند و به این منظور باید حجم معاملات آن و نقدشوندگی آن افزایش یابد. تا زمانی که مردم به نقدشوندگی سهامشان اطمینان نداشته باشند فرهنگ سرمایه‌گذاری تقویت نخواهد شد و مردم همچنان پس‌انداز بانکی را به عنوان گزینه اصلی برای پول‌های‌شان انتخاب می‌کنند. توسعه ابزارهای مالی نقدشونده و صندوق‌های سرمایه‌گذاری باید بیش از این مدنظر قرار می‌گرفت. ابزارهای مالی منتشر شده به‌خاطر کمبود نقدینگی در بازار سرمایه کشور، با توجه به اینکه دولت نقدینگی بازار را با هدف جبران کسری بودجه خود از طریق اوراق تعهدزا جذب کرده است، عملا اقبالی در بازار پیدا نکرده است. جناب روحانی! بازار سرمایه یک بازار پویاست. زیرساخت‌های بازار باید بدون تأخیر و سریع منطبق با شرایط اقتصادی اصلاح شود. نه اقتصاد منتظر می‌ماند تا دولت خستگی از تنش در برود و زیرساخت‌های بازار سرمایه را اصلاح کند و نه سهامداری که تنها پس‌اندازش را براساس وعده‌های دولت وارد بازار بورس می‌کند صبر ایوب دارد تا به پولش دسترسی پیدا کند. آقای روحانی! ثبات بازار با رکود متفاوت است. آنچه امروز در بورس مشاهده می‌شود، رکود است نه ثبات. ثبات یعنی شاهد متوقف شدن دستوری معاملات سهام شرکت‌ها نباشیم. یعنی شاهد موازی‌کاری در رویه‌های بازار سرمایه نباشیم. ثبات یعنی رشد شاخص در بازار سرمایه متناسب با رشد اقتصادی ادعا شده باشد. متأسفانه دولت یازدهم با بی‌تدبیری و نگاه جزیره‌ای در این ۴ سال، اعتماد سهامداران به بورس را از بین برد و بازارمحوری در اقتصاد ایران را سال‌ها به تعویق انداخت.

۹- سرمایه‌گذاری خارجی

دولت یازدهم مانور زیادی درباره رفت‌وآمدهای تجاری می‌دهد. این در حالی است که منظور از رفت‌وآمد تجاری، صرفا دید و بازدید نیست؛ این رفت‌وآمدها باید به نتیجه ختم شود. تبدیل به قرارداد شود و سرمایه برای کشور جذب کند. قریب به ۲۰۰ هیأت تجاری در این مدت به ایران آمده‌اند اما چه به دست آورده‌ایم؟ اجازه بدهید روند جذب سرمایه خارجی طی ۱۰ سال اخیر را مرور کنیم:

سال ۸۶، ۱/۸ میلیارد دلار، سال ۸۷، ۲/۱ میلیارد دلار، سال ۸۸، ۲/۶ میلیارد دلار، سال ۸۹، ۳/۹ میلیارد دلار، سال ۹۰، ۴/۴ میلیارد دلار، سال ۹۱، ۴/۴ میلیارد دلار

و در دولت یازدهم: سال ۹۲، ۳/۳ میلیارد دلار، سال ۹۳، ۱/۶ میلیارد دلار، سال ۹۴، ۹۴۲ میلیون دلار و سال ۹۵، ۴۶۲ میلیون دلار.

یعنی در مجموع سال‌های ۹۴ و ۹۵ با همه وعده‌هایی که در پسابرجام داده شده بود، فقط ۱/۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی به طور واقعی جذب شد. صرف تفاهمنامه نوشتن که ملاک نیست جناب آقای روحانی! و برای اقتصاد کشور نان نمی‌شود. ببینیم چقدر سرمایه جذب کرده‌ایم؛ روندی که سال به سال در دولت یازدهم با همه اتکایی که به سرمایه‌های خارجی به جای توان داخلی و اصلاح زیرساخت‌های کسب‌وکار در کشور داشته است، بدتر شده است. از طرف دیگر همین قراردادهایی که منعقد شده چرا شرایطش به صورت شفاف اعلام نشد؟ چرا قرارداد IPC، قراردادهای خرید هواپیما، قرارداد ایران‌خودرو و پژو محرمانه ماند؟ موضوع محرمانه بودن قرارداد ایران‌خودرو و پژو آنقدر سنگین می‌شود که حتی عضو هیات‌مدیره این شرکت در اعتراض به عدم اطلاع از جزئیات قرارداد استعفا می‌دهد. مگر در این قراردادها چه شرایطی را پذیرفته‌اید که شجاعت انتشار آن را حتی برای مسؤولان دولت خودتان ندارید؟ دوستان دولت پاسخ بدهند حق کمیسیون و پورسانت این تفاهمنامه‌ها و قراردادها را مگر چه کسانی گرفته‌اند که نمی‌توانید منتشر کنید؟ اگر مروری بر صورت‌های مالی شرکت‌های خارجی که به انعقاد تفاهمنامه با آنها می‌بالید بیندازید، خواهید دید اغلب این شرکت‌ها به طور جدی با بحران‌های اقتصادی مواجه بوده‌اند. به عنوان مثال شرکتی که خود سال گذشته بیش از ۱۰۰۰ نیرو اخراج کرده است، چه انتظاری از آن برای تحول اقتصادی دارید؟ دولت یازدهم عملا تبدیل شده است به وزارت کار چین و برخی کشورهای اروپایی. این رویکرد به هیچ عنوان برای کشوری که خود با بحران بیکاری مواجه است زیبنده و مطلوب نیست. جناب آقای روحانی! سرمایه‌گذاری خارجی زمانی می‌تواند به اقتصاد کمک کند که کشور ما صرفا به عنوان یک بازار مصرف دیده نشود. سرمایه‌گذاری خارجی در کشور باید شفاف باشد، اگرنه چه تضمینی است که منافع ملی در آن لحاظ شده باشد؟ سرمایه‌گذاری خارجی باید در بخشی انجام شود که بتواند بیشترین کمک را به بخش اشتغال کند.

۱۰- یارانه و سهام عدالت

جناب آقای روحانی! شاخص بورس ما نسبت به زمان واگذاری سهام‌عدالت، به طور متوسط ۲ تا ۳ برابر شده است. بر این اساس، این سهام در حال حاضر باید حدود ۳ میلیون قیمت‌گذاری می‌شد، یعنی یک خانواده ۵ نفری چیزی حدود ۱۵ میلیون تومان ارزش سهام عدالت‌شان است. در این دولت هیچ اقدامی برای پرداخت سهام‌عدالت صورت نگرفته جز اینکه رقم ۵۵۰ هزار تومان از مردم دریافت شده. علاوه بر این، از ۴۹ میلیون و ۲۰۰ هزار نفری که مشمول سهام‌عدالت بوده‌اند، ۲ میلیون نفرشان فوت کرده‌اند و نتوانسته‌اند از سهام‌عدالت استفاده کنند؛ مردم عمر نوح ندارند. زمانی که بازار در رکود است، سود سهام عدالت از کجا تأمین شود؟ کارخانه‌ای که سهامش بین مردم توزیع شده، تعطیل شده است. در این شرایط سود سهام کارخانه تعطیل شده را از کجا می‌خواهید بین مردم تقسیم کنید؟ از سوی دیگر بسیاری از شرکت‌های مشمول سهام‌عدالت، هنوز قیمت‌گذاری نشده‌اند و وقتی قیمت‌گذاری نشده‌اند چطور سهامشان توزیع شود؟ ضمن اینکه واگذاری سهام‌عدالت در راستای مردمی‌سازی اقتصاد بوده، پس چه دلیلی دارد شرکت یا بنگاهی که سهام آن متعلق به مردم است، مدیریتش با دولت باشد؟ جناب آقای روحانی! لطفا این رویکرد انتخاباتی به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را بس کنید. با مردم صادق باشید. مردم محترم کشور ما بسیار دقیق‌تر از آنچه شما و مشاوران آشنای‌تان گمان می‌کنید، رفتار دولتمردان را رصد می‌کنند و صداقت را تشخیص می‌دهند. یارانه‌ای که حق مردم کشور است را یک‌بار به مجلس پیشنهاد دادید که از ۴۵ هزار تومان بشود ۳۵ هزار تومان؛ مجدد سعی کردید به جای ۱۲ ماه، سالانه فقط ۱۰ ماه یارانه پرداخت کنید، موفق نشدید؛ با هزینه بسیار فراخوان انصراف برگزار کردید، باز هم موفق نشدید؛ وزیر اقتصاد شما شب پرداخت یارانه را شب مصیبت عظما معرفی کرد. بدون پالایش صحیح یارانه بسیاری از مردم را حذف کردید، آنگاه ۳ روز مانده به انتخابات یارانه‌ها را مجدد برقرار می‌کنید؟ شما درباره مردم چه فکری می‌کنید جناب آقای روحانی؟ شما شاید حق داشته باشید مشاوران ناکارآمدی را برای خود انتخاب کنید اما اجازه ندارید به شعور و کرامت ملت شریف و بلندطبع ایران عزیز جسارت کنید! بهتر بود به جای این رفتارهای غیرکارشناسی طی ۴ سال فعالیت خود، یارانه‌ها را به‌طور واقعی هدفمند می‌کردید. در دولت نهم و دهم یک سازمان هدفمندی یارانه‌ها داشتیم که زیر نظر خود رئیس‌جمهور کار می‌کرد. در دولت یازدهم این سازمان به زیرمجموعه وزارت رفاه منتقل شد. اکنون سازمانی مثل سازمان هدفمندی که به موازات سازمان مالیاتی باید عمل کند و متناظر با آن است، در وزارت رفاه است و سازمان مالیاتی در وزارت اقتصاد. وزارت رفاه مگر چقدر دسترسی به دهک‌های درآمدی دارد؟ نتیجه این می‌شود وقتی می‌خواهید ۳ دهک درآمدی پایین را شناسایی کند تا به آنها یارانه بیشتر بدهد، به مستمری‌بگیران بهزیستی و کمیته امداد مراجعه می‌کنید. یعنی هیچ سازوکار دیگری برای شناسایی این دهک‌ها ندارید. جناب آقای روحانی! ای‌کاش به جای تدابیر انتخاباتی در یارانه، نرخ یارانه‌ها را به سمت واقعی شدن هدایت می‌کردید.

و کلام آخر!

جناب آقای روحانی! اگرچه نقش ارتباطات بین‌المللی در رشد اقتصادی بر کسی پوشیده نیست اما ظرفیت‌های داخلی کشور عزیزمان که سرمایه ارزشمند اجتماعی نیز بخشی از آن محسوب می‌شود، برای توسعه اقتصادی و اقتدار ملی، بسیار با اهمیت‌تر از تکیه صرف بر این روابط است. ضمن آنکه خودباوری و اعتقاد به ظرفیت‌های داخلی کشور در توسعه ارتباطات بین‌المللی نیز به عنوان عاملی کلیدی به شمار می‌آید. اگرچه اقدامات مناسبی نیز در دولت یازدهم صورت گرفته است اما غفلت از این ظرفیت‌ها، فرصت‌های ارزشمند بسیاری را از دست داده و این موضوع جای بسی تأسف را باقی گذاشته است.

با آرزوی سربلندی ایران اسلامی

سرباز کوچک انقلاب

مهرداد بذرپاش